



دنیای پیچیده متهم به بزهکاری / مسئولیت سنگین خانواده ها در شرایط امروزی

عوامل محیطی، فرهنگی، روحی و روانی و حتی خصوصیات فردی و تاثیرات اجتماعی بعضا رویکردهای ذهنی افراد باعث می شود که دست به ارتکاب جرم یا بزهکاری بزنند.

خبرگزاری مهر- عوامل محیطی، فرهنگی، روحی و روانی و حتی خصوصیات فردی و تاثیرات اجتماعی بعضا رویکردهای ذهنی افراد باعث می شود که دست به ارتکاب جرم یا بزهکاری بزنند.

افزایش سطح تکنولوژی، پیچیده شدن شرایط جامعه، افزایش میزان شهرنشینی و بالا رفتن توقعات انسانی از زندگی باعث شده که ضریب ارتکاب به جرم و اشکال آن رشد و فزونی بیابد و انواع پیچیده جرم بروز کند. امروزه مبحث جرم شناسی با مفهوم و تعبیر جدیدی نیز مواجه شده که به نام جرم پنهانی یا مخفی شناخته می شود و بیش از این چنین پدیده ای موجود نبود.

اگر وقوع جرم و مرتکبین را از لحاظ کمی و کیفی مورد دقت و توجه قرار دهیم و رفتارهای مجرمین بزهکار را به عنوان رفتارهای ضد اجتماعی و یا ناسازگاری با جامعه مورد شناسایی قرار داده و تحلیل هایی را بر روی آنها انجام دهیم آنگاه در می یابیم که در ورای صورت پوشیده این جرایم چهره دنیای مجرم و متهم به بزهکاری مخفی شده است؛ به طوری که بیشتر جرایم امروزی زاینده شرایط ناهمگون ارزشی و تداخل فرهنگ ها و سردرگمی انسانها در برابر عادات و علایق و بیشتر از هر چیزی اسارت انسان در رقابت ناخواسته مادی و به دور از موهبات معنوی می باشد.

در دنیای متهم به بزهکاری و جرم چنان جرم های خطرناک و عجیبی به وقوع می پیوندد که برجسته ترین کارآگاهان نیز از حل این جرایم باز می مانند. جالب این که میزان آمار جرایم مخفی نیز به قدری است که اگر تمامی آنها مورد شناسایی قرار گرفته و پرونده های جزایی و کیفری آنها به دادسراها انتقال یابند، یقینا دادگستری های امروزی قدرت پاسخگویی و رسیدگی بدان ها را نخواهند داشت. تمامی جرایم و بزهکاریهای جدید در واقع جرایم انسانی است.

بر اساس گزارش های سازمان ملل متحد هر سال میلیون ها نفر از گرسنگی و فقر جان باخته اند که بیش از سه چهارم آنها کودکان و نوجوانان بوده اند. این میزان مرگ و میر نیز در ردیف جنایتهای فاعل مجهول قرار می گیرد. آیا این مرگ و میرها را می توان نادیده گرفت؟ آیا اینها را نمی توان جزو حوادث جنایی قلمداد کرد؟ مرتکبین این جرمها چه کسانی هستند؟ به همین خاطر است که دنیایی کنونی را بایستی متهم به جرم معرفی کرد. با تمام این اوصاف نباید امید را از دست داد زیرا هنوز زندگی بر اساس روال عادی خود ادامه داده و هدیه های زیبا خداوندی که زندگی هر انسانی را شیرین تر می نمایند هر روز چشم به جهان می گشایند و بر هر فردی وظیفه است که آینده آنان را تضمین نماید.

دنیای کنونی ما به دردهای جانکاهی دست به گریبان است و بیش از هر چیزی جامعه انسانی در معرض خطر قرار دارد. جامعه انسانی یا اجتماعات بشری بدون انسان نمی تواند معنا و مفهوم یابد و انسان باید به گونه ای باشد که در زمره انسان ضد اجتماعی شناخته نشود. اما برای منع انسانها از بروز و وقوع جرم و بزهکاری چه باید کرد؟ از کجا باید راهکارهای مناسب را به کار بست و اجرا نمود؟

دنیای کنونی ما در هر ثانیه در تحول و دگرگونی است. کشورها رو به توسعه گذاشته اند، ممالک توسعه یافته راههای ترقی و پیشرفت را می جویند و جهان پیشرفته نیز درصدد یافتن بهترین امکانات و عالی ترین شرایط زندگی و اداری است. در چنین حالتی کودکان، نوجوانان، جوانان و افراد مختلف از هرجنس و از هر قشری نیز چه به صورت مثبت و یا منفی در ترقی و حرکت به سوی جلو هستند. اما نباید از موضوعی حساس غافل شد این که بشر علیرغم تمامی این حرکات و شرایط پویا، ناخواسته به سمت جرم سوگرفته و هر ثانیه جرمی در حال وقوع است.

تمامی عوامل محیطی، فرهنگی، روحی و روانی و حتی خصوصیات فردی و تاثیرات اجتماعی بعضا رویکردهای ذهنی افراد باعث می شود که دست به ارتکاب جرم یا بزهکاری بزنند اما این را نیز باور داریم که در برخی موارد دو یا چند عامل یاد شده منجر به وقوع جرم در انسان می شود، اما جامعه جهانی بشر به صورت جوان و دینامیک می باشد و اگر لحظه ای از هدایت این جهان و نسل موجود در آن غافل گردیم به راستی هر فردی در هر ثانیه احساس امنیت نخواهد کرد و زمانی فرا خواهد رسید که جرایم امروزی که قبیح می باشند به دلیل کثرت وقوع به صورت عادت در آمده و هنجارها و ارزشها را از بنیان به لرزه در خواهند آورد و زندگی بشر روی سلامتی و سعادت را فراموش خواهد کرد و جهان امروزی در اثر گروه بازیهای جرمی به نابودی و فلاکت سوق خواهد یافت.

بر اساس همین باور است که شناخت روحیات کودکان توجه به نیازهای آنان و اهمیت دادن به ساختار وجودیشان، دقت داشتن به شرایط محیطی، آموزشی و تربیتی آنان از اهم موضوعات بوده و برای این که کودکان خود را بیشتر شناخته و مانع از گرایش آنان به جرایم شویم هدف کلی این است که روحیات کودک خود را شناخته و با مشاهده نخستین عمل غیر اخلاقی غیر عرفی و ضد ارزشی و ... در آنها اقدامات موثر را انجام دهیم. بر هر پدر و مادر وظیفه شناسی است که فرزند سالم و صالحی را به جامعه خود و اجتماع جهانی بشر تحویل دهد و این میسر نخواهد بود مگر با درایت، شناخت فرزند و تربیت درست آن.